



پرونده

تحقیرون زن در غرب

اگرچه غربی‌ها در طول تاریخ

همواره به زن به عنوان شهروند

درجه دو و جنس ضعیف نگاه

می‌کردند اما با انقلاب صنعتی و

نگاه ابزاری به زنان و بهره‌گیری

از جذابیت‌های زنانه در افزایش

عرضه کالا و خدمات ظلم به

زنان در جامعه غربی روز به روز

رو به افزایش است. هم‌اکنون

جایگاه زن در دنیای غرب در حد

وسیه‌ای برای التذاذ مرد تنزل

یافته است

زهر اچیدری

زهر اچیدری

زهر اچیدری در وِرای یازمانبای رسانه‌ای از زن در دنیای غرب اگر به آمار و ارقام تجاوز و آزار زنان در کشور های غربی نگاهی بیندازیم متوجه خواهیم شد ظلم به زن و تحقیر او به عنوان شهروند درجه ۲ همچنان ادامه دارد. بر اساس تحقیقات انجام شده در مؤسسه تامسون رویترز، امریکا در بین ۱۰ کشور نخست ناامن برای زنان قرار دار د؛ زرتباهی است که در حداقل یک دهه بدون تغییر باقی مانده است. طبق گزارش «مرکز شمارش خودکشی» در انگلیس که اطلاعات مربوط به خشونت مر دان علیه

چند روز پیش مقام معظم رهبری در دیدار

با خانواده شهدای سلامت با اشاره به مقام شامخ حضرت زینب(س) و جایگاه زن در تمدن اسلامی فرمودند: «بیشتر از همه هم همین غربی‌ها دارند زن را به شکل خطرناکی شکل خطرناکی تحقیر می‌کنند»؛ این تحقیر در موضوع زن به مطالبی که در دنیای غرب علیه زنان صورت می‌گیرد پر داخته‌اند و حتی تأکید دارند «در مسئله زن ما از غرب طلبکارییم». این ظلم و تحقیر در نگاه تمدن غربی به زنان از کجا نشئت می‌گیرد؟

آن چیزی که در شرایط فعلی در غرب در حوزه زنان وجود دارد محصول نظام سرمایه داری است که سالیان سال بعد از دوره رنسانس در دنیای غرب شکل گرفته است. با روی کار آمدن نظام سرمایه‌داری و شکل‌گیری بوزاوری در غرب تاوجه به اینکه صنعتی شدن ملزومات خودش را داشت و برای جذب سرمایه لازم بود تا ابزارهای لازم را فراهم کنند در نتیجه این فرآیند نگاه غرب به زن به نگاه ابزاری برای جذب سرمایه تبدیل شد. در نظام غربی این رویکرد ایجاد شد که برای سود و سرمایه بیشتر باید بتوانیم تمام اجزای جامعه را دخیل کنیم. اما این ورود یک ملزوماتی را می‌طلبد که یکی از آنها ایجاد هویتی جدید برای زن بود. هرچند این هویت جدید یک بی‌هویتی بود که در قالب هویت‌بخشی جلوه دادند. در تمدن غربی نیاز داشتند تا از زن در بازار کار به عنوان ابزار لازم برای تولید ثروت، سود، نخستین چیزی که مورد توجه قرار دادند جاذبه‌های ظاهری و جنسی او بود. در نظام سرمایه‌داری ما با کالا مواجهیم و با افزایش فروش کالا این نظام قوی‌تر شد و رو به رشد می‌گذازد. هر قدر بازارها قوی‌تر شود، نگاه سرمایه‌داری قوی‌تر و هر قدر تقاضا بیشتر، امکان ایجاد عرضه بیشتر می‌شود. برای تداوم این زنجیره نظام سرمایه‌گذاری غرب نیازمند تبلیغ بیشتر بود و برای این منظور از جذابیت‌های جنسی زنان بهره‌گیری کرد.

غرب از مؤلفه‌های زنانه‌ای همچون جذابیت جنسی و ظرافت‌های زنان به بدترین نوع خود استفاده کرد. از سوی دیگر غرب برای تقویت مصرف و بازار عرضه و هماهنگ کردن تعادل بازار عرضه و تقاضا نیاز داشت تا احساس خلأیی را برای مصرف کالا‌های مصرفی در جامعه ایجاد کند. بدین منظور دنیای غرب از طریق رسانه تلاش کرد تا با تغییر فرهنگ جامعه، فضای مصرف‌گرایی را شکل دهد. بدین شکل که مردم تصور کنند برای داشتن زندگی شاد باید بیشتر مصرف کنند. بنابرین شرایطی شکل گرفت تا خانم‌ها به سمت مصرف‌گرایی بی‌رویه گرایش پیدا کنند و از ارزش‌های وجودی خودشان فاصله بگیرند و به سراغ چیزهایی بروند که ملزومات خودنمایی بیشتر است نه ارتقا و رشد شخصیت. دنیای غرب زنان را با استفاده از فضای رسانه‌ای و تبلیغات به یک مصرف‌کننده سیری‌ناپذیر تبدیل‌واز سوی دیگر از خود زنان و جاذبه‌های جنسیتی آنان برای همین تبلیغات استفاده می‌شود.

اما ما شاهد حضور خانم‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی، علمی و از این دست

هستیم و حتی در مواردی زنان در دنیای غرب به بالاترین مقامات سیاسی همچون نخست‌وزیری یا ریاست جمهوری دست می‌یابند. در عین حال فرمایشات رهبری را داریم که می‌فرمایند «غربی‌ها دارند زن را به شکل خطرناکی تحقیر می‌کنند»؛ این تحقیر چگونه شکل می‌گیرد و چگونه می‌توان این موضوع را با تصویری که رسانه‌ها از زنان غربی به ما نشان می‌دهند تبیین کرد؟

ما منکر حضور خانم‌های غربی در مجامع علمی، عرصه‌های سیاسی و حتی نظامی نیستیم. اما سؤال این است که آیا رضایت زنان با حضور در این عرصه‌ها حاصل شده است یا نه؟ بدین معنا که برای حضور زن در عرصه‌های سیاسی، علمی، نظامی و عرصه‌های مختلف اجتماعی –فرهنگی آیا ملزومات به‌شکلی فراهم شده که در نهایت زنان جامعه غربی به یک آرامش و ثبات رسیده باشند. طبق آمار موجود بیشترین زنانی که در عرصه‌های نظامی حضور دارند مورد سوءاستفاده‌های جنسی قرار گرفته‌اند. ما منکر نیستیم که زنان غربی در عرصه‌های علمی هم ظاهر شده‌اند اما ظاهر شدن آنان در عرصه‌های علمی آیا توانسته شخصیت لازم را به زن بدهد؟ آیا با توجه به مؤلفه‌های لطافت روحی و حسن زیباشناسی واقعی آنها را اقتناع و اشباع کند و به آنها آرامش واقعی بدهد؟ آیا قوانینی که راجع به خانواده در غرب وجود دارد توانسته جایگاه زن را در خانواده تثبیت کند و او را در جایگاه خودشان نمایان کند. مثلاً در قوانین اسلامی ما شاهد هستیم که یک‌سری مؤلفه‌هایی برای زنان لحاظ شده که آرامش شخصیتی زن که جایگاه تربیت اجتماعی است حفظ شود آیا در غرب چنین چیزی محافظت شده است؟ آیا همه هدف از تحصیل در غرب برای کسب علم است یا قرار است علم به ابزاری برای کار و کسب سرمایه تبدیل شود؟ در دنیا در کشورهای شبه‌جزیره اسکاندنایو که همان بقایای مانده وایکینگ‌ها هستند راه به عنوان سرداران جامعه تمدنی به دنیا القای کنند در حالی که این کشورها سردمران مسائلی مثل صنعت پورنوگرافی و همجنس‌بازی هستند و مبلغ اولیه آن این کشورها بودند. آیا این نگاه و این رویکرد توانسته آرامش لازم را به زن بدهد و موجب ارتقای جایگاه اجتماعی‌اش شود؟

برداشت من از صحبت‌های شما این است که ما باید نگاه کلی به جامعه زنان غربی داشته باشیم و اگر یک نفر مثل خانم خاتم‌مرکل در جایگاه سیاسی خودش موفق می‌شود نمی‌توان آن را به تمام جامعه زنان غربی تعمیم داد و در عمل برای قاطبه جامعه زنان در دنیای غرب آرامش و ارتقا فراهم نیست. درست است؟

دقیقاً وقتی می‌خواهیم از ارزشگذاری نسبت به زن در جامعه غربی صحبت کنیم نمی‌توانیم به اقلیت جامعه‌نگاه کنیم و اقلیت هیچ‌گاه نمی‌تواند به ما آمار کلی و عمومی نسبت به فرهنگ حاکم بر جامعه بدهد. اگر یک عده از زنان خاصی توانسته‌اند در این ساختار به جایگاهی برسند به این مفهوم نیست که همه زنان توانسته‌اند جایگاه خودشان را به دست بیاورند.

و البته موفقیت همین افراد اقلیت هم بعد از دهه‌ها تلاش و مبارزه سرسختانه زنان در دنیای غرب برای به‌دست آوردن حداقل حقوقی همچون حق رای و مسائلی از این دست بود.

بله اصلاً دلایل ایجاد نگرش‌های فمینیستی همین بوده است. فمینیسم در نتیجه محرومیت‌های زن از حداقل برخورداری‌ها ایجاد شده‌است. زنان در دنیای غرب حتی در بالاترین سطوح خانواده هم از حداقل ملزومات ارتقای شخصیتی خودشان بی‌بهره بودند. پس شروع به اعتراض کردند و فمینیسم برای به‌دست آوردن همین محرومیت‌ها ایجاد شده است.

در حال حاضر وضعیت چطور است؟ آیا همین حالا هم می‌توان مصادیق گوناگونی از ظلم و نگاه شهروند درجه دوم بودن را در دنیای غرب را برشمرد؟

حتی همین حالا هم در قانون اساسی کشور فرانسه حق اداره اموال زن‌اعم از آنچه قبل‌از ازدواج و بعد از ازدواج به‌دست آورد بعد از ازدواج به عهده مرد است. قانون اساسی تعداد قابل توجهی از کشورهای فرانسه استفاده شده است. یا در بحث نصف کردن اموال بعد از جدایی هم شامل اموال مرد می‌شود و هم اموال زن در حالی که در اسلام قاعده تسلیط داریم که بر اساس آن هر آنچه زن به‌دست می‌آورد متعلق به خودش است و مردنیز هم‌چون نفقه و مهر به دارد و از نظر حقوق مالی باید مرد این موارد را اختیار زن قرار دهد. حتی بحث حضانت هم که یکی از مسائل پربحث در قوانین طلاق به‌شمار می‌رود در نهایت به نفع خانم‌ها به‌شمار می‌رود. مسئله حضانت و نگهداری فرزند مستلزم هزینه‌های سنگین مالی است که برای خانمی که همسرش را از دست داده یا جدا شده شرایط سختی است و از سوی دیگر اگر خانم بخواهد بعد از طلاق یا قوت‌همسر از دواج مجدد داشته باشد حضانت به مسئله حضانت به عنوان یک مسئولیت‌تگانه شود و در اسلام این مسئولیت از زن سلب شده و در مواردی که فرزند بتواند انتخاب کند اختیار دارد در صورت می‌یابودن



زنان

سرویس اجتماعی، ۰۸۸۴۹۸۴۰

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد. بر همین اساس هم هست که رهبر معظم انقلاب تأکید دارند ما در مسئله زن از غرب طلبکارییم. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی ما با دکتر مریم اشرفی‌گودرزی مدرس و محقق حوزه‌ی مدبر امور بانوان جامعه خیرین حوزه‌های علمیه استان تهران و عضو هیئت مدیره جامعه خیرین حوزه‌های علمی‌ه استان کنسوری در اوکاووی تحقیر زن در تمدن غربی است.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

زنان را در دنیای غرب به ابزاری برای جلب مشتری بیشتر در نظام سرمایه‌داری تبدیل کرده و آنان را از محیط امن خانه و خانواده دور کرده تا بدترین تحقیرها علیه زنان شکل بگیرد.

نکته



تنزل جایگاه زنان

در حد وسیله التذاذ مردان

■ کبری فرشچی

هر چند بازخوانسی تاریخ غرب درباره نگاه به زن تصویر نامیدکننده‌ای از جایگاه و ارزشگذاری به وی را نشان می‌دهد اما امروز در قرن بیست و یکم جایگاه زنان در دنیای غرب بیش از پیش تنزل یافته و در عمل شاهد تبدیل زن به ابزاری برای التذاذ مردان در این جوامع هستیم.

اما با سفری در دل تاریخ تمدن غرب می‌توانیم نگاه به زن در این جغرافیای تمدنی را از کلام اندیشمندان غربی بهتر دریابیم. چنانچه سقراط به‌عنوان معلم اخلاق، وجود زن را بزرگ‌ترین انحطاط بشری می‌داند. ارسطو هم معتقد است زن مرد ناکام و حاصل نقصی در آفرینش است که خداوند او را برای خدمت به مرد آفریده است.

دکتر علی شایگان در شرح قانون مدنی ایران، می‌نویسد: «استقلالی که زن در دارایی خود دارد و فقه شیعه از ابتدا آن را شناخته است در یونان و روم و زرم‌ن و تاچندی پیش هم در حقوق غالب کشورها وجود نداشته، یعنی مثل صغیر و مجنون، محجور و از تصرف در اموال خود ممنوع بوده. در انگلستان که سابقاً شخصیت زن در شخصیت شوهر محو بود، دو قانون: یکی در ۱۸۷۰ و دیگری ۱۸۸۲ میلادی به اسم قانون مالکیت زن شوهردار، از زن رفع حجر نمود.»

اما چطور می‌شود که در دنیای غرب با چنین پیش‌زمینه‌های فکری دربارہ جنس زن به یک‌باره شاعرهایی همچون آزادی و برابری جنسیتی سر داده می‌شود؟

پاسخ به این سؤال را هم می‌توان با سیری تاریخی در صنعتی شدن کشورهای غربی پیدا کرد. تغییر رویکرد غرب نسبت به زنان با انقلاب صنعتی گره خورده است. مقام معظم رهبری در یکی از دیدارهای شان با جمعی از بانوان نخبه به خوبی مابراجا را به تصویر می‌کشند: «روزی که اروپایی‌ها، صنایع جدید را به‌وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم‌دردسر داشتند، مزیمه «زادی زن» را بلند کردند؛ برای این که زن را از داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها بکشاند؛ به عنوان یک کارگر ارزان از او استفاده کنند، جیب‌های خودشان را پر کنند و زن را از کرامت و منزلت خود بپندازند. و ویل دورانت در لذات فلسفه علل آزادی زن را در اروپا شرح می‌دهد. وی پس از نقل برخی نظریات تحقیرآمیز نسبت به زن از ارسطو ونیچه و شوپنهاور بر برخی کتب مقدس یهود و اشاره به اینکه در انقلاب فرانسه با آنکه سخن از آزادی زن هم بود اما عملاً هیچ تغییری رخ نداد، می‌گوید: «تا حدود سال ۱۹۰۰ زن به سختی دارای حق بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون آن را محترم بداند.» در نگاه وی علت تغییر وضع زن در قرن بیستم و «آزادی زن» از عوارض انقلاب صنعتی است.

ویل دورانت در شرح این آزادی این‌گونه توضیح می‌دهد: «...زنان کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین قیمت ترجیح می‌دادند. یک قرن پیش در انگلستان کار پیدا کردن بر مردان دشوار گشت اما اعلان‌ها از آنان می‌خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه‌ها بفرستند...»

اما این ماجرا امروز و ظلم به زن در قرن بیست و یکم نه فقط برطرف نشده که جدی‌تر هم شده است. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند: «امروز آنچه که به عنوان «زادی زن» در غرب مطرح است، دنباله همان داستان و همان ماجراست. لذا ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آتش فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی‌سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما در این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشسی از تمدن غرب است. زن را به عنوان وسیله التذاذ مردان معرفی کردند و اسمش را «زادی زن» گذاشتند؛ از حالی که به واقع آزادی مردان هزاره برای تمتع از زن و نه آزادی زن بود. نه فقط در عرصه کار و فعالیت صنعتی و امثال آن، بلکه در عرصه هنر و ادبیات هم به زن ظلم کردند. شما امروز، در داستان‌ها، در رمان‌ها، در نقاشی‌ها، در انواع کارهای هنری نگاه کنید، ببینید یا چه دیدی به زن نگرینسته می‌شود؟ آیا جنبه‌های مثبت و ارزش‌های والایی که در زن هست، مورد توجه قرار می‌گیرد؟ آیا آن عواطف قویق، آن مهربانی و خوبی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است- خوبی مادری، روحیه نگهداری از فرزند و تربیت فرزند -مورد توجه است یا جنبه‌های شهوانی و به تعبیر آنها عشقی؟ (که این تعبیر غلط به‌نگاه مردان آرامش خود را از دست داده‌اند) می‌کشوند جاذبه‌های انسانی‌شان را بروز و ظهور بدهند و جاذبه‌های جسمی خود را بپوشانند. به همین دلیل است که به دنبال آموزه‌های دینی اسلامی می‌روند و شاهد گرایش فرایند به اسلام و حجاب در دنیای غرب هستیم.

